

فرشته مولوی نمائنده ادبیات زنان ایرانی

ام سلمه دانشجوی دکتری
به گروه زبان و ادبیات فارسی،
دانشگاه کشمیر، سرینگر

چکیده: ادبیات فارسی از ابتداء بسیار غنی بود. آنجا که دانشمندی چون البیرونی، فیلسوفی چون خیام، شاعری بی بدیل چون رودکی، سعدی، رومی، حافظ و گنجوی شاعران صوفی و نویسندگان به ما داد. زنان هم در عرصه ادبیات پس نبودند. شعر از رابعه قزداری شروع شد که برای ما آهنگ های عاشقانه خواند، و نثر از سیمین دانشور که ناله های جامعه را به ما می گفت. بعد از آن، زنان آنقدر در ادبیات فارسی پیشرفت کردند که امروز هزاران نویسنده زن در ایران وجود دارد. نوشته های آنها به ما کمک می کند تا تاریخ اجتماعی ایران و احساسات زنان را بهتر درک کنیم. فرشته مولوی هم جزو کسانی است که درد ملت را دارند. او تمام عمر خود را صرف حفظ حقوق بشر و ترویج ادبیات فارسی کرد. او به غیر از کشور خود، در دانشگاه های مختلف کانادا نیز به تدریس زبان فارسی پرداخت و کار پژوهشی هم انجام داد. علاوه بر این، او کتاب هایی از زبان های دیگر را نیز به انگلیسی و فارسی ترجمه کرد. نیز در کانادا از حقوق بشر دفاع می کند که در نوشته هایش مشهود است. مقاله حاضر تحت عنوان "فرشته مولوی نماینده ادبیات زنان ایرانی" بر اساس روش تحلیل اسناد تدوین یافته است. و چنین پژوهشی هایی می تواند ما را در شناخت بهتر تاریخ اجتماعی ایران یاری رساند.

واژه های کلیدی: پژوهشگر، مترجم، کتابشناسی، انقلاب، مهاجرت، حقوق زن،

اجتماعی، فمینیسم، فیلسوفی

فرشته مولوی که نامش در دنیای ادبیات فارسی در کنار زنان نامدار و شناخته شده عصر حاضر گرفته شده است. نویسنده، مترجم، پژوهشگر و روزنامه نگار ایرانی هست. فرشته مولوی در ۲۸ شهریور ۱۳۳۲ خورشیدی در تهران چشم به جهان گشود. از آنجایی که از کودکی باید مسئولیت خانه را به دوش می کشیدند، از این رو در کنار تحصیل برای کسب درآمد هم باید کار می کردند. با وجود همه اینها از بیست سالگی با کار نیمه وقت و شبانه برای چند انتشارات [از جمله امیر کبیر پیش

از انقلاب [مشق نوشتن ویراستن کرد- در ۱۳۷۷ در چهل و پنج سالگی پس از سال ها کارپژوبشی در کتابخانه ی ملی به کانادا کوچید و اکنون در تورنتو زندگی می کند-

او کتابشناسی جامعی از داستان های کوتاه به زبان فارسی گرد آوری کرد- او همچنین آثار متعددی از نویسندگان مشهور بین المللی از جمله جوان رولفو و آرنولد هاووز را ترجمه کرد- اتفاق خوب اما غم انگیز در زندگی او افتاد که در سال 1987ء ۱۳۶۶ برنده جایزه بورسیه تحصیلی مرکز فرهنگی آسیایی یونسکو [توکیو] برای ترجمه هایش شد، اما توسط دفتر حراست [آژانس اطلاعات] وزارت آموزش عالی از خروج از کشور منع شد- بعد از یک سال او بهترین جایزه ترجمه را به دست آورد [موسسه توسعه فکری کودکان و نوجوانان، تهران] پس از آتش بس 'سیز فائر' در سال 1988ء، ۱۳۶۶ او اولین رمان خود "خانه آبرو باد" و اولین مجموعه داستان "پری آفتابی" را منتشر کرد-

پس از مهاجرت به کانادا در سال 1998ء فرشته مولوی چندین سال در مشاغل مختلف بقا کار کرد- با این حال، او متهم به فرار از کیشور شده است که او در مصاحبه ای به آن که در آن از او پرسیده شه که " آیا مهاجرت شما به خاطر علایق شخصی بود یا باید از ایران خارج می شدید؟" پاسخ داد که " این 'باید' در پرسش شما به گمانم اشاره به فرار ناگزیر از 'ترس جان' دارد که در بگیر و ببند افسارگسیخته ی چند سال نخست انقلاب دغدغه ی خیال من هم بود- با این همه در آن سال ها چیزهایی چون ناتوانی در دل بریدن از خانه و خانواده و زبان و فرسنگ همراه با ناباوری به بقای 'مصادره کنندگان انقلاب' و امید به 'دگرگونی' دست به دست هم دادند تا من هم مثل دیگری که خواسته نا خواسته میان رفتن و ماندن دومی را برگزیدند، دوام بیاورم- بیست سالی که به این ترتیب گذشت، کوششی بود برای زنده نگهداشتن امید به آزادی و آبادی تکه ای از جغرافیای جهان که خیال می کردم خوب یا بد سهم من است و مردو برهم حقی داریم- فکر رفتن زمانی به سرم افتاد که دیدم هیچ کدام از این دو حق ادا نمی شود- باورم شد نه آن هایی که وطن را برای چاپیدن و چپاول می خوابند، می گزارند این وطن و نه من می توانم آن طور که می خواهم و می توانم کار کنم"

او در کانادا مشاغل حرفه ای داشت مانند ، او کتاب شناس فارسی در کتابخانه استرلینگ [دانشگاه ییل] بود، او همچنین به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه های تورنتو یورک و مقاله نویسی در کالج سنکا پرداخت. از سال ۲۰۰۹ء او دورمان و دو مجموعه داستان کوتاه منتشر کرده است. یکی از رمان های "دو پرده فصل" مورد تیسین جایزه ادبی مهرگان در تهران در ۲۰۱۱ء ۱۳۹۱ قرار گرفت. او نقش مهمی در توسعه ادبیات ایران و نمایندگی و حمایت از حقوق زنان داشته است با وجود همه اینها به دلیل سانسور در ایران، مجموعه مقالات او به نام "آن سال ها این جستارها" در پاریس منتشر شده است. آنان به فارسی و انگلیسی می نویسند، اکنون در تورنتو زندگی می کند و زمان خود را بین نوشتن، سازماندهی و اداره کلوپ کتاب تهران [رویداد ماها نه برای ترویج کتاب فارسی] و دفاع از آزادی بیان و حقوق بشر در ایران می گذراند. فرشته مولوی چهاررمان "تاریک خانه آدم" ، "حالا کی بنفشه می کاری" ، "دو پرده ی فصل" ، خانه ی ابرو باد" و چهارمجموعه داستان به نام "روزی روزگاری" ، "زرد خاکستری" ، "سگ ها و آدم ها" و "سنگسار تابستان" نوشته است. به جز آن دو مجموعه جستار، یک کتاب شناسی و چند کتاب ترجمه منتشر کرده است. نوشته های گونا گون او در رسانه های بیرون از ایران و داخل ایران در آمده و بعضی داستان ها و جستارهای او در جنگ ها و گاهنامه های انگلیسی منتشر شده است.

موضوع کتاب های فرشته مولوی بیشتر حقوق بشر و مخصوصا حقوق زن است یکی از بهترین مجموعه داستان آنها "روزی روزگاری" است که پشت داستان کوتاه دارد که پیش تر یا در گاهنامه ای یا در مجموعه داستانی در آمده اند، در گزربازه ای کم و بیش چهل ساله نوشته شده اند. کپی ترین داستان "پری آفتابی" و نوترین "روزی روزگاری" است. در باره گره زدن همه این داستان ها فرشته مولوی می گویند که این از آن روست که در میان شان ویژگی مشترکی می بینند و شاید جنسی سرکش یا سرکشی دارند و تن به رده بندی رده بندی سنی نمی دهند. این مجموعه را "مجموعه داستان نوجوان" هم می گویند. از جنس داستان هایی اند که روکار کودکانه و توکار بزرگسالانه دارند و گرچه ساده می نمایند، آسان یاب نیستند و هسته ای سخت دارند.

در داستان "پری آفتابی" دریک جا اونا به دختر کوچولوی از زبان مار توصیه می کنند که نه تنها برای دختر بچه ها بلکه برای بزرگسالان نیز مفید است. وقتی مار به دختر بچه کمک می کند تا از تاریکی عبور کند دختر از مار می پرسد "تو تا آخر راه با من می آیی؟" مار پاسخ داد که "نه، فقط راه تاریکی را نشانت می دهم. بعدش دیگر باید تنها بروی. اگر می خواهی تنها نه باشی، باید تنها بروی. سیاهی و سرما و ترس و تنهایی. راه تاریکی دراز بود. ته تاریکی پیراهن آبی پری آفتابی پیدا بود."

در همین داستان در جای دیگر ضمن توصیف ترس توصیح می دهد که ترس در جای دیگر نیست بلکه در درون انسان است. آنها اینگونه بیان می کنند

"ترس از تنبیه بازی را می ماند. حالا خواب از من می رمد؛ آن بعد از ظهر من از خواب می رمیدم. نه خواستم پلک هایم را ببندم، مبادا صدای پای دیو را بشنوم. شب ها تا از هول تاریکی اتاق پلک هایم بسته می شد، صدای پای دیو را می شنیدم. دلم به تاپ تاپ می افتاد. نمکی اما صدای پای دیو را نشیند. نمکی نه ترسید، صدای پا را هم نه شنید. من می ترسیدم، صدای پا را هم می شنیدم. دیوی که می خواست به سراغ من بیاید، گرومپ گرومپ نه آمد. با صدای تیک تاک می آمد - با صدای آرام و آهسته و یکنواخت. صدایی که نه کم می شد، نه زیاد. نه بلند می شد، نه کوتاه. تیک تاک.. تیک تاک.. دیوی آمد. از میان تاریکی و ترس می آمد. نه نزدیک می شد، نه دور. نه پیش می آمد، نه پس می رفت. من را می ترساند و می خواباند. من را به خواب ترس می برد. خواب ترس از از تیک تاک دیو؛ خواب ترس از سیاهی صورت دیگ به سر؛ خواب ترس از سفیدی دندان های گرگ؛ خواب ترس از عوعوی سگ های خرابه ها؛ خواب ترس از باتون پاسبان ها؛ خواب ترس و سرما و سیاهی؛ خوابی که خواب نبود، خار بود."

از این متن می دانیم که دختر از صدای ساعت خوفزده بود او از صدای تیک تاک را صدای دیو فکر می کند. فرشته مولوی در نوشته های خود به آسیب های اجتماعی، عدم تحمل و حقوق بشر را بسیار اشاره کرده اند. مانند در رمان معروفش "تاریک خانه ی آدم" آنها شخصیت ایوب و پسرش را بسیار جالب ارائه کرده و از طریق این رمان به آسیب های اجتماعی و نقض حقوق بشر اشاره کرده است. در این داستان ایوب توان رویارویی با پسر همجنسگرای خود را ندارد. تا

پیش از کشف موضوع، فکر آن را نمی کرد که پسرش روزی همجنسگرا شود. ایوب اگرچه هنرمند است و تحصیل کرده و ساکن غرب، ذهن اش اما هنوز اسیر سنت است. فکر می کند پسرش بیمار جنسی ست. او خود را در این رفتار پسر، مقصرو "گنهگار" می داند. در علاج درد، بی آن که به موضوع اندیشیده باشد و یا آن را با پسر در میان گذاشته باشد، او را می کشد تا از چمبره ی ذهن بیمار خود برهد. ذهن بیمار اما بیمارتر می شود و ایوب ساکن بیمارستان روانی می گردد.

فرشته مولوی تنها تابوشکنی نکرده، عدالت طلبی پیشه کرده تا امیدی را در رنگین کمان زندگی ی آینده آرزو کند. او به عنوان یک زن به این موضوع نزدیک شده و این بر ارزش کارش می افزاید. او می داند که نقش زنان در این راه تا کنون بسیار موثر بوده است.

از "تاریک خانه آدم" فرشته مولوی می خواهد این پیام را منتقل کند که افرادی مانند پسر ایوب در خطر افسردگی هستند. به تنهایی معتاد می شوند، داوطلبانه به زندگی خویش پایان می دهند، زیرا باید در آن جامع و فریبگ زندگی کنند که پذیرفته نمی شوند. با این حال، مبارزه برای زندگی ادامه دارد.

فرشته تمام جنبه های زندگی را در نظر می گیرد، چه زندگی کارگر باشد و چه زنی که در خانه نشسته است یا فردی که متفاوت از دیگران به دنیا آمده است یا پدری فقیر که با فقر دست و پنجه نرم می کند یا کودکی که هیچ کس با مشکلاتش کاری ندارد. درد همه را توصیح داده و درمان آن را ارائه کرده است.

حواشی:

- ۱- مولوی، فرشته، روزی روزگاری، چاپ اول: ۱۴۰۰ دی، ژانویه ۲۰۲۲ء، ص ۱۷
- ۲- مولوی، فرشته، روزی روزگاری، چاپ اول: ۱۴۰۰ دی، ژانویه ۲۰۲۲ء، ص ۱۶
- ۳- ۶- مولوی، فرشته، تاریک خانه آدم، چاپ: ۱۳۹۴، لندن، ص ۹۷
- ۴- مولوی، فرشته، تاریک خانه آدم، چاپ: ۱۳۹۴، لندن، ص ۱۰۳
- ۵- مولوی، فرشته، زرد خاکستری، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۹۰ ه.ش.
- ۶- مولوی، فرشته، سنگسارتابستان، نشرناکجا، فرانسه، در سال (۲۰۱۵) ۱۳۹۶ ه.ش. به چاپ رسانده است

- ۷- مولوی، فرشته، حالا کی بنفشه می کاری، گروه انتشاراتی ققنوس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۳ (۲۰۱۴)
- ۸- مولوی، فرشته، سگ هاو آدم ها، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ اول ۱۳۸۸
- ۹- مولوی، فرشته، خانه ابرو باد، نشر افکار، تهران، ۱۵/۱۳۸۹/۰۱ چاپ دم: ۱۳۹۰
- ۱۰- دشت سوزان - خوان رولفو- مترجم فرشته مولوی، چاپ اول با عنوان دشت مشوش، ۱۳۶۹ (چاپ دوم: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۹)
- ۱۱- زن در تاریخ ایران معاصر، مجموعه مقالات، انجمن زنان پژوهشگر تاریخ، سیمینار بین المللی، بهمن ماه ۱۳۸۱ خورشیدی، شیراز
- ۱۲- شهروز جمالی و سیده رویا سجاد، بررسی جایگاه زن در آثار سیمین دانشوار، فرشته مولوی وراضیه تجار، فصلنامه زبان و ادب فارسی
- ۱۳- http://avaetabid.com/p=713#_ftn1 چند پرسش و چند پاسخ، آوای تبعید، Ayarenaghd (you tube channel) ، ۲۰۲۱، <http://youtu.be/NZ12FYiuTL0>
- ۱۴- گفت و گویا خانم فرشته مولوی، نویسنده شهیر،
- ۱۵- گفت و گویا فرشته مولوی نویسنده و پژوهشگر از تورنتو کانادا و حمیرا قادری نویسنده و فارسی، ۲۰۲۰، BBC NEWS فعال زنان در افغانستان از کابل، <http://www.facebook.com/bbcpersian/videos/136445341300114/>
- ۱۶- فرشته مولوی، رفتن جمهوری اسلامی بخودی خود تضمینی برای تامین آزادی بیان نخواهد بود، <https://youtu.be/OxcaTdVNSME> بود، تلویزیون راه کارگردریو توب، ۲۰۱۸،